

مقدمه

سرزمین طبرستان از دشت و کوه و ساحل دریا تشکیل شده و هوای معتدل، زمین حاصلخیز و آب فراوان، زمینه‌ی لازم را برای توسعه‌ی کشاورزی و تنوع محصولات و در نتیجه، شکوفایی و غنای اقتصادی آن فراهم کرده است. جاذبه‌های طبیعی، پراکندگی جغرافیایی و بافت سیاسی غیرمتمرکز این منطقه و هم‌چنین عدم وجود راه‌های ارتباطی مناسب، انزوای جغرافیایی و موقعیت سوق‌الجیشی طبرستان، تسلط کامل بر این دیار، به ویژه نواحی غربی آن را برای حکومت‌های مرکزی ایران، دشوار ساخته است. در طول تاریخ، این ویژگی موجب تقویت روحیه‌ی استقلال‌طلبی مردم و عدم تمکین آنان از حکومت‌های خارج از این قلمرو جغرافیایی شده است. در نتیجه، این موقعیت مکانی، فرصتی مناسب را برای مخالفان سیاسی حکومت‌های مسلط بر خارج از این منطقه فراهم می‌کرد و از این جهت، برای پناه‌جویی شورشیان، مکان بسیار مناسبی بود. از مهم‌ترین حکومت‌های سیاسی در طول تاریخ پر فراز و نشیب ایران؛ حکومت‌های افشاریه و زندیه است که بعد از سقوط صفویه؛ حاکمیت اداری و سیاسی کشور را به دست گرفتند و از آن‌جا که همواره با مدعیان سلطنت درگیر بودند و اکثر آن‌ها برای رهایی از عوامل حکومت مرکزی، به مازندران پناه می‌بردند؛ لذا اهمیت این منطقه در این دوره‌ی تاریخی بیش‌تر نمایان می‌شود. کتاب مازندران در عصر وحشت از جمله آثاری است که سعی در بررسی و مطالعه‌ی چگونگی اوضاع سیاسی مازندران، و تحولات تاریخی آن در عصر افشاریه و زندیه دارد که در ادامه به معرفی آن می‌پردازیم.

درباره‌ی نویسنده

علی‌اکبر عنایتی، نویسنده‌ی کتاب مازندران در عصر وحشت؛ کارشناسی ارشد تاریخ و مدرس دانشگاه مازندران است. وی کار پژوهشی این اثر را حدود دو سال انجام داده است. او با اشاره به این که کمبود منابع و دسترسی نبودن آن‌ها، از مهم‌ترین مشکلات بر سر راه تحقیق و پژوهش است، از مشکلاتی که در تهیه‌ی منابع و اسناد با آن‌ها روبه‌رو بوده، سخن گفته است. این اثر در حاشیه‌ی دومین روز نمایشگاه کتاب مازندران رونمایی شد.

مازندران در عهد افشاریه و زندیه

مریم شاه‌حسینی
دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ مطالعات خلیج فارس،
دانشگاه تهران



مازندران در عصر وحشت
نویسنده: علی‌اکبر عنایتی
ناشر: ساری، انتشارات شلفین، چاپ اول، ۱۳۸۹، ۱۴۴ صفحه

درباره‌ی اثر

کتاب مازندران در عصر وحشت، شامل مقدمه، چهار فصل، کتابنامه و نمایه است.

در مقدمه‌ی کتاب، نویسنده به طور مختصر به جریان‌ات سیاسی ایران در دوره‌ی افشاریه و زندیه، به عنوان دوره‌ای پرحادثه و مؤثر در تاریخ ایران پرداخته که بنا به گفته‌ی نویسندگان اروپایی، «عصر انقلابات» خوانده می‌شد. در ادامه، نویسنده سیر وقایع را از حمله‌ی افغان‌ها به رهبری محمود غلزایی تا روی کار آمدن آغامحمدخان قاجار بیان کرده و سپس با توجه به موقعیت جغرافیایی و مکانی مازندران و محدوده‌ی تاریخی آن که شامل مازندران، سمنان و گیلان می‌شده، نابسامانی اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر آن را که متأثر از فضای سیاسی کل کشور بعد از سقوط صفویه بود؛ شرح داده و هدف خود را از تألیف چنین اثری، بررسی و مطالعه‌ی چگونگی اوضاع سیاسی مازندران و تحولات تاریخی آن در عصر افشاریه و زندیه (که به گفته‌ی دکتر زرین کوب، بهتر است آن را «عصر وحشت» بنامیم)، بیان داشته است. به طور کلی، دوره‌ی زمانی این پژوهش، بنا به گفته‌ی نویسنده، سال‌های میانی قرن دوازدهم هجری از سقوط صفویه (۱۱۳۵ ه.ق.) تا سال‌های آغازین قرن سیزدهم هجری و روی کار آمدن آغامحمدخان قاجار (۱۲۱۰ ه.ق.) است و از آن جا که تاکنون پژوهش مستقلی در خصوص مازندران در این دوره‌ی تاریخی صورت نگرفته؛ اهمیت این اثر نمودار می‌شود. (۹-۱۱)

در فصل اول با عنوان «اوضاع ایران (۱۲۱۰-۱۱۳۵ ه.ق.)» نویسنده فضای سیاسی حاکم بر ایران، یعنی وقایع مربوط به بعد از سقوط خاندان صفویه و حمله‌ی افغان‌ها به اصفهان را با عنوان مبحثی به نام «سقوط صفویه»، با استناد به منابع دست اول و اصلی این دوره از تاریخ ایران و با بهره‌گیری از سایر تألیفات، مورد مطالعه قرار داده و دلایل و عوامل فروپاشی حکومت صفویه را برشمرده است. در ادامه در مبحثی با عنوان «ظهور نادر»، با توصیف کلی فضای سیاسی کشور که زمینه را برای قدرت‌گیری و برآمدن نادر فراهم کرد؛ به بیان اصل و نسب و خاندان نادر و روند روی کار آمدن او پرداخته و در ادامه به چگونگی اعلام پادشاهی نادرشاه، بعد از سرکوب افغان‌ها و شکست عثمانی‌ها و اقدامات و فعالیت‌های او اشاره کرده است. سپس پایان کار افشاریه و دوران جانشینان نادرشاه را شرح داده است. مؤلف در مبحث دیگری با عنوان «ایران در دوره‌ی زندیه»، با اشاره‌ای

به هرج و مرج در کشور و شورش مدعیان سلطنت بعد از مرگ نادر، به خاندان زندیه و ویژگی‌های قومی و فعالیت‌های سیاسی‌شان بعد از سقوط صفویه و در دوران نادر پرداخته و با بیان فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کریم خان، به جنگ‌های جانشینی میان فرزندان او و دوران کوتاه‌مدت حکومت‌های آن‌ها بر کشور سخن گفته است. (۳۲-۱۳) در فصل دوم با عنوان «مازندران از سقوط صفویه تا پایان حکومت نادرشاه»، نویسنده ابتدا وضعیت مازندران را پیش از به قدرت رسیدن نادر شاه، از نظر تهاجم نیروهای روسی و تصرف نواحی شمالی کشور شرح داده و با کمک اطلاعات موجود، به حضور قدرت‌های منطقه، یعنی روسیه و عثمانی در حمله به نواحی شمالی کشور، شمال غربی و غرب ایران و برخورد این دو با هم پرداخته که با توجه به شرایط بد و ناآرام سیاسی کشور و عدم وجود پادشاهی مقتدر؛ سعی در سلطه بر این نقاط داشتند، به طوری که حتی در مورد چگونگی اداره‌ی ایران اعمال نظر می‌کردند. در ادامه نویسنده به درگیری میان سپاه قاجار و اشرف افغان، فرار شاه تهماسب دوم صفوی به مازندران، درگیری او با فتحعلی خان قاجار در نبرد اشرف، اقدامات نادر در دفع افغان‌ها و عثمانی‌ها که به نحوی زمینه‌ی تخلیه‌ی شمال ایران توسط روس‌ها فراهم کرد؛ پرداخته و با بیان قیام فردی از خاندان‌های محلی مازندران، به نام کیا نعیم بیگ کلاردشتی (نعیم‌شاه کلاردشتی) و شورش محمدعلی خان و ذوالفقار خان؛ به خوبی اوضاع نا آرام مازندران را در این برهه‌ی زمانی شرح داده است. نویسنده در پایان این فصل، به اهمیت کشتیرانی و تشکیل نیروی دریایی در دریای مازندران و نیز چگونگی تلاش نادر در گسترش و تجهیز این نیرو سخن گفته است.

جالب‌ترین مسأله‌ای که در این جا به آن پرداخته شده؛ موضوع سوء قصد نادرشاه توسط چند تفنگچی افغان در حین بازگشت از سرکوب شورشیان لژی است که نویسنده با کمک منابع موجود، موقعیت مکانی محلی را که نادر مورد اصابت تیر قرار گرفته، مشخص نموده است. در پایان به طور جامع، به شورش‌های اواخر حکومت نادرشاه در استرآباد و مازندران پرداخته که به علت فشارهای مالیاتی مأمورین حکومتی و هم‌چنین در راستای مخالفت با سیاست‌های مذهبی نادرشاه وقوع یافته است. (۵۵-۳۴) فصل سوم به «مازندران در عصر کریم خان زند و جانشینانش» می‌پردازد. در این قسمت که مفصل‌ترین فصل کتاب است، نویسنده به شروع تلاش

مهم‌ترین عاملی که در نامساعد بودن اوضاع و شرایط کشور در این دوره‌ی تاریخی نقش داشت، وجود شورشیان و مدعیان سلطنت بودند که همواره با استفاده از ناآرامی شرایط، در پی کسب قدرت و سلطنت و برآوردن خواسته‌های خود بوده و به این ترتیب بر وخامت اوضاع می‌افزودند

قاجارها در به دست گرفتن سلطنت ایران و پیشینه‌ی تاریخی حضور آنان که به زمان شاه عباس اول بازمی‌گردد؛ پرداخته و با بیان اصل و نسب قاجارها، درگیری این خاندان با حکومت سیاسی کریم خان زند و جانشینانش را تشریح نموده است. سپس به بیان حکمرانی خاندان دادوی سوادکوهی که از طرف کریم خان بین سال‌های ۱۱۹۳-۱۱۷۲ ه.ق. بر مازندران منصوب شد؛ پرداخته و تمامی جریانات و وقایع سیاسی این فاصله‌ی زمانی را توصیف کرده است. هم‌چنین از نبرد لاریجانی‌ها تا شورش امیر گونه خان افشار در آمل و نیز روس‌ها در سواحل مازندران که به نحوی سنگ بنای حضور آن‌ها در منطقه بود، سخن گفته است. او به طور کلی و دقیق، جزئیات و سیر رویدادها را تا به قدرت رسیدن آغامحمد خان مطرح کرده که دربردارنده‌ی شورش‌های محلی مازندران و هم‌چنین برخی سران و فرماندهان بوده است. (۹۴-۵۹)

در فصل چهارم با عنوان «جامعه و حکومت مازندران در دوره‌های افشاریه و زندیه»، نویسنده به ناآرام بودن اوضاع سیاسی و وضعیت اجتماعی مردم مازندران، نظیر شیوع انواع بیماری‌ها از جمله وبا و مالاریا و مرگ و میر ناشی از آن، ظلم و ستم مأمورین مالیاتی در عصر نادری بر کشاورزان، وضعیت بد زمین‌داری و کشاورزی، وقوع خشکسالی و کم‌آبی که به نحوی جدی بر زندگی معیشتی مردم تأثیر داشته؛ اشاره داشته و سازمان اداری و حکومتی ایران در عصر افشاریه و زندیه را که برگرفته از میراث صفویان و سنت‌های دیوانی مغولان و تیموریان بود؛ توصیف کرده است. او با کمک مطالب موجود در تذکره‌الملوک میرزا رفیعا به عنوان مهم‌ترین منبع درباره‌ی تشکیلات دیوانی و اداری کشور، به تقسیم‌بندی امراء به دو بخش امرای غیر دولت‌خانه یا سرحدی، و دولت‌خانه‌ی مبارکه و هم‌چنین توصیف مقام بیگلربیگی به عنوان حاکم ولایات و ایالات مازندران و وظایف و جایگاه آن پرداخته و به طور خلاصه، سایر مناصب اداری هم‌چون شیخ‌الاسلام، ملاباشی، قاضی، عسگر، وزیر، کلانتر و منشی را شناسانده است. اهمیت این بخش از کتاب به دلیل ارائه‌ی جدولی از اسامی بیگلربیگیان در عصر افشاریه و زندیه و تاریخ حکومت آنان (جدول شماره‌ی ۱)، حاکمان شهرهای مازندران و محدوده‌ی زمانی و مکانی حکومت ایشان (جدول شماره‌ی ۲)، صاحبان مناصب و مشاغل اداری مختلف و محدوده‌ی زمانی و مکانی حکومت ایشان (جدول شماره‌ی ۳) است که بر اساس منابع و اسناد تاریخی دوره‌ی افشاریه و زندیه گردآوری شده است. (۱۰۹-۹۵)

منابع این اثر شامل منابع اصلی، مأخذ، سفرنامه‌ها و مقالات است. (۱۱۸-۱۱۱) نمایه نیز شامل نمایه‌ی اشخاص (۱۳۲-۱۱۹) و نمایه‌ی مکان‌ها (۱۴۴-۱۳۳) می‌شود.

اهمیت اثر

کتاب مازندران در عصر وحشت، با بهره‌گیری از منابع دست اول و معتبر هم‌چون جهانگشای نادری، عالم‌آرای نادری، روضه‌الصفای نادری، دیوان حزین لاهیجی، تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ زندیه و دیگر منابعی از این دست، و هم‌چنین با استفاده از برخی کتب تألیفی؛ به خوبی سیر تاریخی

حوادث و رویدادهای سیاسی این بخش از خاک ایران را که در عصر افشاریه و زندیه به نحو جدی با وقایع سیاسی کشور درگیر بوده؛ مورد مطالعه قرار داده و به طور توصیفی جریانات تاریخی مازندران را برشمرده است.

نویسنده در هر فصل، مطالب مربوط به آن فصل را در قالب برخی عناوین کلیدی، تقسیم‌بندی و بررسی کرده است. در نگاه اول، از عنوان کتاب چنین برمی‌آید که موضوع اثر می‌بایست درباره‌ی تاریخ محلی مازندران و تمامی جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و معیشتی مردم این دیار در محدوده‌ی تاریخی آن (مازندران، سمنان، گیلان) باشد، اما در این جا به طور مفصل؛ جریانات سیاسی کل کشور که مرتبط با مازندران بوده، منعکس شده و سیر حوادث سیاسی به خوبی پرداخته شده، و تنها در فصل آخر، به طور مختصر از وضعیت اجتماعی و معیشتی مردم مازندران سخن رفته است. به طور کلی، این اثر به جهت آن که به طور دقیق و جامع و با تکیه بر منابع این دوره؛ حوادث سیاسی مرتبط با مازندران را شرح داده؛ حائز اهمیت است و می‌توان گفت به خوبی، تاریخ سیاسی مازندران در این دوره را توصیف کرده است.

نتیجه‌گیری

با سقوط خاندان صفوی در سال ۱۱۳۵ ه.ق. سرزمین ایران به لحاظ سیاسی دچار خلأ قدرت شد و از طرفی این مسأله در کنار وقایعی چون حمله‌ی افغان‌ها به اصفهان و بروز ناآرامی‌ها در کشور دوچندان شد. در حقیقت، نبودن یک حکومت مرکزی منسجم و استوار به عنوان رکن مهم استقرار امنیت و آرامش در کشور، موجبات ناآرامی و شورش را فراهم کرد و فضای سیاسی حاکم بر ایران بعد از صفویه، دلیل این مدعاست. هر چند افرادی هم‌چون نادر شاه یا کریم خان زند که پایه‌گذاران سلسله‌های سیاسی بعد از صفویه بودند، در یک دوره‌ی زمانی کوتاه اما پر بار، به نحوی بر اوضاع کشور مسلط می‌شدند و اداره‌ی کشور را در برهه‌ای حساس بر عهده می‌گرفتند، اما با مرگ آن‌ها، کشور دوباره به هرج و مرج و ناامنی پیشین بازمی‌گشت.

مهم‌ترین عاملی که در نامساعد بودن اوضاع و شرایط کشور در این دوره‌ی تاریخی نقش داشت، وجود شورشیان و مدعیان سلطنت بودند که همواره با استفاده از ناآرامی شرایط، در پی کسب قدرت و سلطنت و برآوردن خواسته‌های خود بوده و به این ترتیب بر وخامت اوضاع می‌افزودند. به این ترتیب، هر گونه ضعف و انحطاط در دستگاه اداری کشور، به آشوب و بی‌نظمی در تمامی مناطق و نیز ناراحتی و آزار اهالی آن نواحی منجر می‌شده است. از جمله‌ی این مناطق، مازندران است که به لحاظ موقعیت جغرافیایی، طبیعی و مکانی، همواره محل برخورد نیروهای مهاجم و قوای محلی بوده و در دوره‌های مختلف از جمله افشاریه و زندیه، به مأمنی برای شورشیان و برخی از مدعیان سلطنت تبدیل شده و از این جهت، در تحولات سیاسی این دوره از تاریخ ایران، جایگاه ویژه‌ای دارد.